

بصیرت در مکتب قرآن و اهل بیت (علیه السلام)

کبری پستاریان^۱

چکیده

بصیرت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، نقش بسیار مهمی در رشد انسانی و تکامل جامعه اسلامی داشته است. در این مقاله، به بررسی مفهوم بصیرت در قرآن و تفسیرات اهل بیت پرداخته شده و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی بررسی شده است. اهمیت آموزش بصیرت توسط اهل بیت برای نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله تلاش دارد تا نقش بصیرت در شکل‌دهی به ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی، بهبود فهم عمیق از دین و تقویت ارتباط انسان با خداوند را مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه، بصیرت در مکتب قرآن و اهل بیت به عنوان یک راهنمای اخلاقی و روحانی مؤثر، می‌تواند به تحقق اهداف انسانی و اجتماعی کمک کند و به ساختاردهی جامعه اسلامی کمک شایانی نماید.

با ارائه تحلیل‌های عمیق و نقدهای سازنده، این مقاله به خوانندگان کمک خواهد کرد تا درک عمیق‌تری از مفهوم بصیرت در مسیر راهنمایی و هدایت اهل بیت (ع) و قرآن را کسب نمایند. این تحقیق نقش اساسی بصیرت در شکل‌دهی به اخلاق انسان و ارتقاء سطح دینی و اجتماعی جامعه را تأکید می‌دهد.

کلیدواژه: بصیرت، مکتب، بصیرت قرآنی، آثار.

^۱ پستاریان، کبری، سطح دو حوزه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)، شهرستان رامهرمز.

بصیرت به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی و روحانی، در فرهنگ اسلامی به ابعاد گسترده‌ای پرداخته و نقش حیاتی در هدایت انسان به سوی مسیر نیکوکاری و اخلاقی بازی کرده است. این اصل اسلامی، به عنوان یک فرهنگ آموزشی و تربیتی، همواره در قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به تأکید بر فرآیندی دقیق از شناخت و فهم عمیق تا راهنمایی به جهت‌گیری در زندگی انسان می‌پرداخته است.

مقالاتی که از جنبه‌های مختلف به این مباحث پرداخته اند شامل: (مبانی بصیرت از منظر عقل و شرع، نویسنده؛ رحیمی، اکرم) و (عوامل و زمینه‌های بصیرت در قرآن و روایات، نویسنده؛ آتشکار، مصطفی، دردشتی، محمداخوان) و (نگاهی به بصیرت و جریان‌های سیاسی در کلام علوی، عباس پور مقدم، رمضان) می‌باشد.

در این مقاله، سعی بر آن است تا مفهوم بصیرت از دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع) باز شده و تأثیرات آن بر اخلاق و رفتار انسان بررسی شود. این پژوهش به معرفی و توضیح مبانی نظری بصیرت از منابع اصلی اسلامی می‌پردازد و با توجه به رویکردهای فرهنگی و تربیتی اهل بیت، نقش بصیرت در سعی بر بهبود رفتارها و ارتقاء معیارهای اخلاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحلیل‌های این مقاله، سعی دارد تا نه تنها مفهوم بصیرت را از جوانب مختلف مورد بحرانی قرار دهد بلکه با ارائه نمونه‌ها و مواقع کاربردی، اهمیت این اصل در زندگی روزمره فرد و جامعه را به واقعیت تبدیل سازد. این پژوهش می‌کوشد تا به خواننده افق‌های گسترده‌تری از تأثیر بصیرت در شکل‌دهی به اخلاق و ارتقاء سطح دینی جامعه ارائه دهد و چشم‌اندازی مثبت و پایدار را در اثرات بصیرت به تصویر بکشد.

مفهوم بصیرت

بصیرت در لغت از ماده «بصر» است و جمع آن «بصائر»، که به معنای «دلیل، حجت، برهان و بینایی دل» است. و همچنین آن را «شاهد و گواه» هم معنی کرده اند، مانند «جَوَارِحُهُ بَصِيرَةٌ عَلَيْهِ» (اندام های او بر اعمالش شاهدند).^۲

همچنین ابن فارس^۳ چند معنی برای بصیرت ذکر کرده است، از جمله «علم به یک چیز» و «برهان» که تمامی آنها به معنای اصلی آن (وضوح روشنی) باز میگردد. به طور مثال: عبارت «رَأَيْتُهُ لَمَحاً بَصِراً» یعنی (با دقت کامل به او نظر کردم) و «بَصُرْتُ بِالْشَيْءِ» یعنی (به آن آگاه و بصیر شدم) و «أَبْصَرْتُهُ» یعنی (آن چیز را دیدم).

آثار بصیرت

اولین آثاری که میشود نام برد دانایی ای است که به انسان میبخشد که در این باره احدایشی وجود دارد که ذکر خواهیم کرد:

پیامبر خدا (صل الله علیه و آله و سلم) میفرماید: «دانا ترین مردم، کسی است که هرگاه در حق اختلاف کنند، او بینا ترین آنان به حق باشد اگر چه در عمل، کوتاهی کند، و اگر چه بر نشیمن خویش بخزد.»^۴

امام علی علیه السلام میفرماید: «کسی که بینا باشد، میفهمد، و کسی که بفهمد، دانا میشود.»^۵

^۲.فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 7، ص 117.

^۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل بصر.

^۴. المستدرک علی الصحیحین: ج 2، ص 522، ح 3790، المعجم الکبیر: ج 10، ص 220، ح 10531

^۵. نهج البلاغه: حکمت 208، خصائص الاثمه علیه السلام: ص 119

و همچنین میفرمایند: «کسی که بصیرت ندارد، دانشی ندارد.»^۶

دومین آثار ایمان این است که در این باره خداوند متعال در قرآن این چنین میفرماید: «مثل این دو گروه، همچون نابینا و ناشنوا در مقایسه با بینا و شنواست. آیا در مثل، یکسان نیستند؟ پس آیا پمند نمیگیرید؟»^۷ نابینا و بینا یکسان نیستند. و نه تاریکی ها و روشنایی ها، و نه سایه آفتاب»^۸ «نابینا و بینا، یکسان نیستند، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، نیز با مردم بدکار یکسان نیستند چه اندک، پند میپذیرند!»^۹ «بگو: به شما نمیگوییم که گنجینه های خدا، نزد من است، و غیب نیز نمیدانم. و به شما نمیگویم که من فرشته ام. جز از آنچه به من وحی میشود. پیروی نمیکنم. بگو: آیا نابینا و بینا یکسان اند؟ آیا نمی اندیشید.»^{۱۰} «بگو: پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟ بگو: خدا. بگو: پس آیا چز او سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو: آیا نابینا و بینا یکسان اند؟ یا تاریکی ها و روشنایی ها برابر اند؟ یا برای خدا، شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریننده اند و در نتیجه، این دو آفرینش بر آنان، مشتبّه شده است؟ بگو: خدا، آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار»^{۱۱} «آیا کسی که میداند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است، مانند کسی است که نابیناست؟ در حقیقت خردمندان پند میگیرند.»^{۱۲} «و کسانی که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کرو کور، روی آن نمی افتند. و کسانی اند که میگویند: پروردگارا!

^۶ . غرر الحکم: ح 10773

^۷ . هود، آیه 24 (مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)

^۸ . فاطر، آیات 19-21 (وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ) (وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ) (وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ)

^۹ . غافر، آیه 58 (وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ)

^{۱۰} . انعام، آیه 50 (قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ)

^{۱۱} . رعد، آیه 16 (قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ)

^{۱۲} . رعد، آیه 19 (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ)

به ما از همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه ی روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوی پرهیزکاران گردان.
اینان اند که به پاس آن که شکیبایی کردند، غرفه های بهشت را پاداش خواهند یافت و در آن جا با سلام و درود
مواجه خواهند شد.»^{۱۳}

امام علی (علیه السلام) در این باره میفرماید: «در توصیف جانشینان خدا در زمین: علم، آنان را به حقیقت
بصیرت کشانده است و با روح یقین، در آمیخته اند و آنچه را نازپروردگان، دشوار دیده اند، آنان، آسان یافته اند،
و با آنچه نادانان از آن رمیده اند، انس گرفته اند، و در این دنیا با بدن هایی زندگی میکنند که روح آنها به جایگاه
برین، تعلق دارد. اینان جانشینان خدا در زمین او هستند . دعوتگران او به سوی دینش. وه وه که چه شوووقی
است مرا به دیدن ایشان!»^{۱۴}

امام صادق (علیه السلام) میفرماید: «خداوند، مومن را از فشار ها و تکان های دنیا در امان ندانسته است؛ بلکه
او را از کور دلی در دنیا و شقاوت در آخرت، امان بخشیده است.»^{۱۵}

سومین آثاری که میتواند داشته باشد آموختن عبرت است که در این باره خداوند متعال در قرآن چنین
مفرماید که: «قطعا بر خورد میان دو گروه، برای شما نشانه ای و در عبرتی بود. گروهی در راه خدا می جنگیدند
و دیگر گروه، کافر بودند که آنان (مومنان) را به چشم، دو برابر خود می دیدند؛ و خدا، هر که را بخواهد، به یاری
خود تایید میکند. یقینا در این ماجرا برای صاحبان بصیرت عبرتی است.»^{۱۶} «خداست که شب و روز را باهم جا

¹³ . فرقان، آیات 73-75 (وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

¹⁴ . نهج البلاغه: حکمت 147، به نقل از کمیل بن زیاد، خصائص الائمة عليه السلام، ص 106

¹⁵ . الکافی، ج 2، ص 255، ح 18 به نقل از محمد بن بهلول عبدی

¹⁶ . آل عمران، آیه 13 (قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ)

نیست؛ بلکه قدری تفکر میکند، دل را به میان می آورد، خود را کنار می کشد و طبق خواست سمیع و بصیر حقیقی می بیند و می شنود.

فرق بصیر و بی بصیرت

حضرت علی علیه السلام در خطبه 133 نهج البلاغه در این باره چنین میفرماید که:

«به راستی که دنیا نهایت دیدگاه کوردل است که ورای آن چیزی نمی بیند؛ اما بصیر، نگاهش از دنیا عبور میکند و میداند خانه اصلی ورای این دنیاست. پس بصیر از دنیا چشم بر می گیرد و کوردل، تمام توجهش به دنیاست. بصیر، از دنیا توشه می بردارد و بی بصیرت، برای دنیا»^{۵۲}

طبق فرمایشاتی که حضرت گفته است، انسان بصیر، قرارگاه ابدی را ورای دنیا می بیند. پس پرده های ظاهر را کنار میزند و باطن امور و اتفاقات را درک می کند. او مدام در حرکت است تا با استفاده از ابزار دنیا، اسماء و صفات الهی را ظاهر دهد و برای ابدیتش توشه بگیرد. چنین انسانی هر لحظه به وزن و ارزش وجودش می افزاید و این گونه به عمق هستی که ولایت است، راه می یابد.

در مقابل، انسان کورد به استخدام ابزار دنیا در می آید و با قوانین و خصوصیات زمینی انس میگیرد. از این رو با خوش و ناخوش دنیا خوش و ناخوش میشود و هر روز، حال و حالتی دارد. به این ترتیب یک عمر در ناآرامی ها و هیجانات کاذب، روزگار می گذرانند و از این حال به آن حال تردد می کنند؛ چون به چشم او چیزی غیر از این دنیا دیده نمی شود.

این دسته از انسان ها گمان می کنند دنیا و طبیعت، هدف خلقت آن هاست؛ در حالی که این ها همه برای انسان آفریده شده اند و در واقع هدف خلقتشان اوست. از ابتدای عالم، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در

⁵² نهج البلاغه، خطبه 133

کارند» تا شرایط تشکیل نطفه انسانی در زمین فراهم شود. سپس این نطفه حرکت کند و به جسمی تبدیل گردد که آماده پذیرش روح خدا و ظهور تمام اسماء الهی باشد.

خداوند خود فرموده است: «خلقت الاشياء لاجلک و خلقتک لاجلی»؛ (همه چیز را برای تو ای انسان و تو را برای خودم آفریده ام. چرا؟ چون انسان و فقط انسان می تواند ظهور کامل و خلیفه جامع او باشد). آن وقت ما چنان خود را کوچک میدانیم که گمان میکنیم که بودنمان همین جسم و دنیایی است که روی زمین میبینیم! برای همین هم کم و زیادش و بالا و پایینش برایمان فرق میکند.

محصول بصیرت

چیزایی که حاصل بصیرت است ایمان و عمل صالح است، لذا برای افزایش ایمان که امری عقلانی است اساسا باید بصیرت را پرورش داد. یقین، از پایه های اصلی ایمان بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافتن حکیمانه واقعیت ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، پیمودن راه درست پیشینیان. بنابراین کسی که آگاهانه به واقعیت ها بنگرد، حکمت را آشکارا میبیند و آنکه حکمت را آشکارا دید عبرت آموزی را میشناسد و آنکه عبرت آموخت گویا چنان است که با گذشتگان می زیسته است.

یقین تعبیر از حکمت است که هم جنبه علمی دارد هم عملی. زمانی که انسان بتواند به حقایق و معارف، تا حد اعلای فهم بشری دست یابد یعنی نیروی اندیشه خود را به کمال برساند، به یقین علمی رسیده است اما یقین عملی کمال نفس به تحصیل فضایل درونی و کناره گیری از رذایل اخلاقی است. یعنی یقین، عملی است که ملکه وجودی انسان گردد.

در واقع اگر اثبات فکر و عمل هردو برای انسان میسر شود، به وسیله یقین می تواند به برترین جایگاه معنوی دسترسی یابد. بنابراین، یقین، باید هم در حوزه نظر و هم در عمل یعنی معرفت به حقایق و عمل به آنها در حد اعلای خود محقق شود؛ برای چنین تحقیقی، بصیرت لازم است. پس بصیرت از مقدمات یقین محسوب میشود و

نسبت منطقی آن با یقین، عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر فرد موقنی دارای بصیرت است، اما هر فرد با بصیرتی موقن نیست بلکه باید نلش کند تا در اندیشه و عمل به یقین برسد. بنابراین برای آن که انسان به بصیرت و سپس به یقین و ایمان حقیقی برسد، لازم است ابتدا با آگاهی لازم نسبت به آموزه ها و مفاهیم دینی، با هدف فهم واقعیت ها عناصر زندگی، به تجزیه- تحلیل و سپس ترکیب آنها مبادرت کند؛ سپس بر اساس معیار های دینی (شریعت) به ارزیابی و قضاوت درباره آنها پرداخته و حق را از باطل تشخیص و تمییز دهد و در انتهای تصمیم و انتخاب دست زند. بعد از انتخاب حق و اعتقاد قلبی به آنها (ایمان) نسبت به متابعت از حق، التزام عملی داشته باشد یعنی اعتقادات قلبی را به عمل درآورد. استواری در ایمان و عمل، خود، انسان را به یقین میرساند. در مرحله یقین، ایمان و عمل هردو در حد اعلای خود محقق شده اند و انسان به بالاترین جایگاه معنوی می رسد.

نتیجه

بصیرت، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مکتب قرآن و اهل بیت، نقش بسیار مهمی در رشد انسانی و اخلاقی افراد و تشکیل جوامع دارد. آموزه های بصیرتی اهل بیت، با روشی منحصر به فرد و با توجه عمیق به معانی قرآن، به عنوان یک راهنمایی برای زندگی اخلاقی و معنوی عنوان می شوند. بصیرت به عنوان یک پایه اصلی در راه های پیشرفت انسان و جامعه، از اهمیت بالایی برخوردار است و می تواند به تقویت ارتباط انسان با خداوند و بهبود جامعه کمک کند.

در این مقاله، ما به بررسی عمق بصیرت در مکتب قرآن و اهل بیت پرداختیم و تأثیرات مثبت آن را بر رشد انسانی و جامعه مورد بررسی قرار دادیم. اهل بیت با تأکید بر بصیرت و شناخت عمیق، به ما آموزه هایی ارزشمند

درباره فهم عمیق قرآن و ارتباط انسان با آن ارائه کرده‌اند که می‌تواند به تحقق اهداف انسانی و اخلاقی کمک کند.

بنابراین، فهم درست از بصیرت و استفاده از آموزه‌های اهل بیت، به عنوان یک راهبرد اساسی برای بهبود زندگی انسانی و ساختاردهی بهتر جوامع، بسیار ارزشمند است. این موضوعات نشان می‌دهند که بصیرت در مکتب قرآن و اهل بیت، یک راهنمای قابل اعتماد و اثرگذار برای رشد روحانی و اخلاقی انسان‌ها و تحول جوامع است. در نتیجه، بصیرت در مکتب قرآن و اهل بیت نقش فرهنگی و اخلاقی بسیار مهمی دارد که می‌تواند به بهبود فردی و اجتماعی ما کمک کند. بصیرت، به عنوان یک راهنمای عمقی برای درک اسلام و هدف زندگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به توسعه یک جامعه عدالت‌محور و انسانی تر کمک کند.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن بابویه، ابوجعفر، محمد بن علی، الخصال، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1416ق

ابن شاعبه حرانی، مترجم: حسن زاده، محمد صادق، تحف العقول، تهران، 1297ق

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، 1404ق، چاپ اول.

جعفر بن محمد علیه السلام، مترجم: گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، مصباح الشریعه، پیام حق، تهران، 1377، چاپ اول.

رحیمی، علیرضا، تعلیم و تربیت بصیرت گرا، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، 1389، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن، الامالی، دار الثقافة، قم، 1414ق، چاپ اول.

علی بن ابی طالب علیه السلام، گرد آورنده: آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، دار الکتاب السلامی، قم، 1410ق، چاپ دوم.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، موسسه دارالهجره، قم، 1409ق، چاپ دوم.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1407ق، چاپ چهارم.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب السلامیه، 1315ق

محمدی ری شهری، محمد، مترجم: شیخی، حمید رضا، فرهنگ نامه بصیرت، دار الحدیث، قم، 1388، چاپ اول.

میرزائی اهرنجانی، فاطمه، بصیرت بینایی دل، ارمغان طوبی، قم، 1399.

نعمان مغربی، قاضی، دعائم الاسلام، دارالمعارف، 1383ق

نیشابوری، حاکم، بن عبدالله، محمد، المستدرک علی الصحیحین، دارالتأصیل، لبنان، 1435